

دادگاه تاریخ، رویزیونیستها را محکوم می کند

صحنه هائی از دادگاه چیان چین - پائیز ۱۳۵۹

چیان چین: من میدانم رویزیونیست ها خود را کجا پنهان کرده اند.... (انگشت اشاره اش را با حالت تهدید آمیزی تکان میدهد) می توانم نشانشان بدهم!

رئیس دادگاه: چیان چین، ساکت شو! اگر به اعمال جنایتکارانه ات ادامه دهی....

چیان چین: «جنایتکارانه»؟ این چیست که جرات می کنی بر آن نام «جنایت» بگذاری؟

(دادستان او را متهم به پرونده سازی در جریان انقلاب فرهنگی میکند)

چیان چین: این شما هستید که همه چیز را بطور سیستماتیک مخدوش می کنید!

دادستان: کافی بود که چیان چین دستور بدهد، آنوقت گروه تحقیق مدارکی پیدا میکرد و کار تمام بود، مقصود سریما حاصل میشد!

چیان چین: وکیل کوچولو! شما فاشیست هستید، شما از بدکاران گوماندانی هستید!

رئیس دادگاه: متهم، تو به دادگاه گردن نمی گذاری. این تخلف است. اینجا تو متهم هستی و ما از طرف همه مردم چین انتخاب شده ایم که تو را محاکمه کنیم!

چیان چین: من از تصمیمات کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تحت رهبری صدر مائو اطلاع داشتم. من بیانیه ۱۶ ماهه

(۱۹۶۶) را که به تصویب کمیته مرکزی حزب رسیده فراموش نکرده ام. این کمیته مرکزی بود که بر معرفی من در گروه

انقلاب فرهنگی صحنه گذاشت. لیست و نامه ای که صدر مائو برای من فرستاد هنوز در کشوی میز من قرار دارد. می توانید

بروید و دنبالش بگردید!

دادستان: در جریان انقلاب فرهنگی... (چیان چین حرفش را قطع میکند)

رئیس دادگاه با تاخیر زنک را بصدا در میآورد و می گوید: چیان چین من به تو اخطار کردم که حق نداری میان حرف دادستان ببری!

چیان چین: قبلا هم به شما گفتم، من زمانی به این «دادگاه عالی خلق» احترام می گذارم که این دادگاه به اصول بر حق صدر

مائو احترام بگذارد! و چون این دادگاه چنین نمی کند بنابراین من هم آن را بهم می ریزم!.... قانون شما ارزانی آنان

باد که بشما اعتقاد دارند!

رئیس دادگاه: بسیار خوب، من اعلام میکنم که متهم راضی نمی شود در مورد اعمال ضدانقلابی - موضوع اتهام - از خود دفاع کند، بلکه از حق دفاع برای توهین به اعضای دادگاه استفاده میکند. بنابراین ختم مباحثه را اعلام میکنم.

چیان چین (با لحنی پرورزندانه): هان! می دانستم که به اینجا میرسی!....

رئیس دادگاه (با صدائی ضعیف): ... خوب! تو حق داری که آخرین حرفت را بزنی!

چیان چین (با آرامش و لبخند): ... پس هنوز این حق را دارم. بسیار خوب، چون هنوز این حق را دارم باز هم صحبت می کنم

(به آهستگی اوراق دادخواست را ورق می زند) ... شما مسئولیت هر نوع جنایتی را به من بستید. شما مرا بعنوان یک

هیولای همه فن حریف با سه سر و شش دست معرفی کردید. این واقعا....

کمونیسستها

شور و شکرند!

بیاد رفیق چیان چین



دهقان و روشنفکر انقلابی به مقرهای فرماندهی دن سیائو پین و شرکاء حمله برده، این رهبران سرمایه داری را از اریکه قدرت بزیر کشیده، خشم انقلابی خود را متوجه شان ساخته، کلاه بوقی بسرشان گذاشته و رسوای عالیشان کردند. این انقلابی در انقلاب بود - انقلابی ضروری علیه بورژوازی و نمایندگانش در حزب کمونیست و دولت که در جستجوی فرصت برای غصب قدرت و بورژوازی بین المللی از چیان چین بعنوان یکی از سرسخت ترین دشمنان خود که حتی در زندان و زیر شکنجه نیز حاضر نگشت از عقاید خویش دست کشد، یاد میکنند. اعدام چیان چین حکایت از داغی سوزناک و تسکین نیافتنی می کند که وی بر دل بورژوازی باقی گذاشته بود.

در سال ۱۳۵۹، بفاصله چهار سال پس از مرگ مائو و کودتای رویزیونیستی در چین، حکومت ارتجاعی تازه بقدرت رسیده، دو رهبر جسور کمونیست یعنی چیان چین و چان چان چیانو را از زندان به دادگاه آورد. جرم آنها رهبری انقلاب فرهنگی و پایداری و پافشاری

دولت چین امروز رسماً اعلام کرد که «چیان چین، بیوه ۷۷ ساله مائو در روز ۱۴ ماه مه خود کشی کرد». این خبر نزدیک به سه هفته پس از وقوع ماجرا اعلام گردید.

این دروغی کشف برای پوشاندن جنایتی خانفانه است. مسئول مرگ چیان چین حکام ارتجاعی چین می باشند.

چیان چین یکی از انقلابی ترین انسانهای قرن حاضر، زنی شورشگر با اندیشه های ژرف بود. او از برجسته ترین نمایندگان کمونیسم انقلابی و از عالیترین سبیلهای دیکتاتوری پرولتاریا محسوب می شد. چیان چین کسی بود که یکی از بزرگترین انقلابات تاریخ بشر، انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین، با نام او رقم خورد - انقلابی که نه فقط چین بلکه سراسر جهان را بلرزه درآورد. او هموزم نزدیک مائوتسه دون و از سازماندهان و رهبران مهم این انقلاب بیسابقه بود - انقلابی که برای دهسال از سرنگونی قدرت پرولتاریا توسط بورژوازی نوحاسته در چین سوسیالیستی ممانعت بعمل آورد. تحت رهبری چیان چین و جناح انقلابی حزب و دولت چین، میلیونها کارگر و

رئیس دادگاه: متهم هنوز به انجام تخلفات در این حرف آخر هم ادامه داد! این هم جنایتی دیگر علیه قانون!

چیان چین: قانون شکن شماید! من دانم رویزیونیستها کجا هستند! می توانم نشانشان بدهم! من کاملاً هدف توبیخ آنها، هدف جنایات آنها قرار دارم!

رئیس دادگاه (در حالیکه زنک را پشت سر هم به صدا در می آورد): چیان چین! خوب گوش کن!

چیان چین: اما من که غیر از گوش کردن کاری نمی کنم!

رئیس دادگاه: این دادگاه گذاشت تا متهم چیان چین از حق دفاع وسیعاً استفاده کند.

چیان چین حرفش را قطع می کند و می گوید: چه؟ استفاده وسیع؟ عجیب!

رئیس دادگاه: بله، دقیقاً استفاده وسیع! در دور آخر استماع دفاعیات از تو پرسیده شد چیزی برای اضافه کردن داری و تو جواب دادی هیچ. تو هیچ کاری جز فرار از زیر سئوالات انکار ناپذیر انجام ندادی. تو از فرصتهای صحبت استفاده کردی که

حرفهای ضد انقلابی ات را بزنی... چیان چین: این شمائید که ضد انقلابی هستید!

رئیس دادگاه: قبلا هم بتو اعلام کردم که کار تو اهانت پی اعمال، تخلف از نظامنامه است. متهم چیان چین! دادگاه مطابق قانون به این جرائم رسیدگی خواهد کرد...

چیان چین دوباره صحبتش را قطع می کند و می گوید: عجیب! (با خنده) پس باید «سون وو کنک» افسانه ای را بیاورید تا

چند سر دیگر هم روی تنم سبز کند!

رئیس دادگاه: ... بنام قانون، حالا من خاتمه استماع این دادگاه به حرفهای متهم چیان چین را اعلام می دارم. متهم را به بیرون هدایت کنید!

چیان چین بها می خیزد، خشمگین رو به دادگاه می کند: با شناختی که از شما دارم فکر می کنم که مرا در مقابل یک

میلیون تماشاگر وسط میدان «صلح آسمانی» اعدام می کنید! شما چاره ای ندارید جز اینکه سر از تنم جدا کنید!

دو پلیس زن او را بطرف در خروجی هل می دهند، چیان چین فریاد می کشد: قیام کردن بر حق است! انقلاب کردن بر حق است!

.....

(جلسه قرائت رای دادگاه)

رئیس دادگاه: چیان چین طبق ماده ۱۰۳ قانون جزائی عمومی به اشد مجازات محکوم می شود - به مجازات مرگ.

چیان چین (با فریاد): انقلاب کردن جنایت نیست! شورش بر حق است! سرنگون باد رویزیونیسم! سرنگون باد دن سیائو پین! او را بطرف در خروجی می کشانند و فریادش بگوش می رسد:

زنده باد انقلاب!

بنقل از «حقیقت» - ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - شماره ۵،

مهر ۱۳۶۵

سرخستانه بر منافع انقلاب بود و پیگیری و تلاش برای ساختن جامعه نوین انسانی: جامعه ای که هیچکس حق نداشته باشد به قیمت دیگری خود را بالا بکشد، هیچکس نتواند بروی استخوانهای خرد شده دیگری زندگی کند، هیچکس حتی بفکرش هم نرسد که میتوان دیگری را مورد ستم و استثمار - بهر شکلی که باشد - قرار داد. جرم این دو رهبر جسور در این بود که وفادارترین یاران مائوتسه دون بودند و هرگز کوچکترین خللی در عزمشان برای نابود کردن جهان نکبت باری که بر ستم و استثمار اکثریت بنا شده وارد نگشت. در آن دادگاه، حکام کنونی چین که پس از مرگ مائو قدرت را از طریق کودتا غصب کرده و ده ها هزار تن از مائوئیستهای انقلابی را دستگیر و اعدام کرده بودند، چیان چین و چان چون چیانو را به محاکمه کشیدند. آنان تصور میکردند که با اینکار به تثبیت حاکمیت ضدانقلابی خود کمک خواهند کرد. این دادگاه تکان دهنده که میلیونها نفر در سراسر جهان شاهدش بودند، به یکی از مهمترین عرصه های جدال میان پرولتاریا و بورژوازی بدل گشت. این دادگاه با حرکت فراموش ناشدنی چان چون چیانو و دفاعیات جاودانه چیان چین بمشابه سند ادامه حیات انقلاب و ضعف و زبونی بورژوازی در تاریخ ثبت گشت. این دو رهبر انقلابی در مقابل نهم و شکنجه و تهدید به مرگ، سربلند در حالی که چشمان خود را به افق دوخته بودند، ایستادند و فاتحانه بر زوزه های بورژوازی و شیبه های خائنین ذلیل پوزخند زدند. غرور و سرافرازی آنان، تفرعن بادکنکی آنان نبود که دستاوردهایشان با آلام بیحساب توده های مردم اندازه گیری میشود، بلکه بیان اعتماد عمیق به سرنوشت محتوم سرمایه داری بین المللی بود و نشانه اتکاء به نفس قدرتمندترین طبقه تاریخ: پرولتاریا. ستمدیدگانی که شاهد صحنه های آن دادگاه بودند خوب فهمیدند که این دو از آنانند و ایستادگی شان از برای آنانست. در آن دادگاه در واقع این رویزیونیسم و در راستی دن سیائو پین بود که به محکمه کشانده شده و محکوم گشت. خبرگزاریهای بین المللی آخرین کلام چیان چین را به سراسر عالم مخابره کردند. این کلام شور و شوق وصف ناشدنی را به دل پیروان راه سرخ مائوتسه دون انداخت. کمونیستهای انقلابی از این

دادگاه که اهمیت تاریخی پیدا کرد الهام گرفته و عزم خویش را برای ساختن جامعه نوین بشری - جامعه کمونیستی - راسخ تر ساختند. این دادگاه اذعانامه کوبنده ای بود علیه دنیای کهن و در واقعیت امر نشانه آن بود که نابرابریها و تمایزات دیرینه بالاخره درهم شکسته خواهند شد. فریاد خشمگین چیان چین در حالیکه زندانبانان می کوشیدند صدای او را خاموش کنند پر صلابت و تحکم آمیز در سراسر عالم انعکاس یافت: «شورش بر حق است! زنده باد انقلاب!»

برای سالها چیان چین را در محبس نگاه داشتند و از نشر هرگونه خبری درمورد او ممانعت بعمل آوردند. رنک سرخ چین، این پایگاه عظیم انقلاب جهانی را عوض کردند و از جامعه ای که روزگاری نه چندان دور الهام بخش ستمدیدگان جهان بود، مناسبات رهائیبخش و انسانی بر آن غلبه داشت و انسانهایش در روابطی انقلابی به مبارزه و تولید برای کل جامعه مشغول بودند، جامعه ای متکی بر روابط بیرحمانه سرمایه دارانه - جامعه ای ارتجاعی - ساختند. چیان چین، یکی از برجسته ترین مظاهر زنده آن جامعه نوین بود و بهمین جهت بود که در مورد وی و سرنوشتش توطئه سکوت اختیار کردند تا شاید بدین وسیله خاطره سرخ آن سالهای روح انگیز و رهائی بخش را از اذهان بزدايند. حکام چین، با همدستی ارتجاع جهانی، همیا با بوجود آوردن تغییرات سریع در جامعه و بسط مناسبات و ارزشهای سرمایه داری، دست به «مائو زدائی» زدند. مائو و جامعه انقلابی، دو مقوله تفکیک ناپذیر بودند و از همینرو بود که می بایست هر چیزی که کوچکترین نشانی از مائو داشت را از یادها ببرند. آنجائی هم که اینان بهر دلیل مجبور می شدند نامی از چیان چین بیاورند از او بعنوان «بیوه مائو» یاد میکردند. اما، برای آن کسانی که چیان چین را در سالهای پرتلاطم و خروش آفرین انقلاب فرهنگی در دهه ۱۹۶۰، در آن سالهای نبردهای تعیین کننده در راس و فرماندهی مبارزه انقلابی پرولتاریا علیه رهروان سرمایه داری دیده بودند، این موضوع غایب بود که او صرفا همسر مائو، نیست. او رهبری توانا، کمونیستی شورشگر، انقلابی آگاهی است که تحت رهبری خط انقلابی مائو در بیشاپیش پیشروترین توده ها، به تبرد مرگ و زندگی علیه بورژوازی

برخاسته است؛ نبردی که چیان چین از درون آن سربلند و پیروز بدر آمد.

در ماه مه ۱۹۸۹، سیزده سال پس از سرنگونی حاکمیت طبقه کارگر در چین، جنبش توده ای دانشجویی و کارگری ضربه قدرتمندی بر تاج و تخت دن سیائوپین منفور و رژیم منحط سرمایه داری وارد آورد و حقیقت نهفته در این پیش بینی داهیانه مائوتسه دون را آشکارا بنمایش گذارد: «اگر رویزیونیستها در چین قدرت را بگیرند، آنها روی آرامش بخود نخواهند دید.» موج طرفداری از مائو به غلیبان درآمد، مردم مدالهای مائو را گردگیری کرده و به سینه زدند، کتابها و آثار مائو کمیاب گردید، توده ها بخشهایی از کتاب سرخ مائو و دیگر آثار او را با صدای بلند برای یکدیگر می خواندند و به بحث حول آنها می پرداختند. آنها ترانه هائی در وصف انقلاب و سالهائی که کمونیستهای انقلابی قدرت را در دست داشتند می سرودند. این تحولات بشدت خوف حکام چین و امپریالیستهای آمریکائی را برانگیخت چرا که فهمیدند با وجود ۱۲ سال سرکوب و پراکندن ایدئولوژی سرمایه دارانه در میان مردم، هنوز چشم انداز توده های انقلابی از آینده چین، بازگشت به دوران چین سرخ تحت رهبری مائوتسه دون است. طی دو سالی که از وقایع خونین چین میگذرد، این کشور هیچگاه به اوضاع قبل از آن جنبش بازنگشته است. آن تکان عظیم اجتماعی، از میان امواج پر قدرت خود یکبار دیگر مائو و رهروان انقلابیش را به صحنه آورد و در این میانه بطور ناگزیر نام چیان چین نیز بمیان آمد. مطبوعات امپریالیستی از «بازگشت همسر مائو» سخن گفتند. از کسی که سرسخت ترین مدافع کمونیسم انقلابی است. از کسی که هرگز حاضر نشد کوچکترین امتیازی برای امپریالیستها قائل شود و حتی زمانی که اولین انسان بروی کره ماه فرود آمد در مقاله ای نوشت: «اشغال امپریالیستی کره ماه!» چیان چین در مصاحبه ای با یک خبرنگار غربی که سال گذشته منتشر شد در مورد دن سیائو پین که دستور قتل عام میدان صلح آسمانی را در سال ۱۹۸۹ داده بود یادآور شد که او همیشه یک رویزیونیست بود. این خبرنگار گزارش داد که چیان چین کماکان بر عقاید خود پابرجاست و مشغول نوشتن خاطرات خود می باشد.

امپریالیستها و مرتجعین قادر نبودند علت کینه و نفرت عمیق چیان چین نسبت به خودشان و جهان نکبت بارشان را بفهمند. این کینه از سازش ناپذیری چیان چین بر منافع میلیاردها توده تحت ستم و استثمار در سراسر جهان سرچشمه می گرفت. اگر آنچه که در وقایع جنبش ۱۹۸۹ چین رخ داد و پیامدهای آن را در نظر بگیریم، آنگاه علت قتل جبونانه چیان چین روشنتر خواهد گشت. مهمترین مسئله این بود که: «شیخ» مائوتسه دون یکبار دیگر در سراسر چین به گشت و گذار پرداخته است! حکام چین مجبورند هرچیزی که پیوندی با این «شیخ» دارد یا مظهر آن است را از میان ببرند.

دو کشور سوسیالیستی شوروی و چین پس از مرگ رفیق استالین در سال ۱۹۵۳ و مرگ رفیق مائوتسه دون در سال ۱۹۷۶ به دایره نظام امپریالیستی کشیده شدند. امروز سرمایه داری جهانی قهقهه پیروزی بر کمونیسم سر می دهد. اما این خنده های پیر مفلوکی است بر سر کودکی تازه پا که تلاش میکند راه رفتن بیاموزد؛ بلند میشود، زمین میخورد و دوباره بها می خیزد. آنچه در این میانه کاملا آشکار است اینکه یکی میرنده است و متعلق به گورستان و دیگری بالنده و متعلق به آینده. هر تلاش و بیاخیزی پشتوانه ای است برای خیزهای موفقیت آمیز بعدی و بالاخره پیشروی غیرقابل بازگشت. این قانون گریزناپذیر جامعه بشری است. این راه طی خواهد شد و فریاد «زنده باد انقلاب!» چیان چین در دادگاه نیز بطور فشرده همین قانون را اعلام میکرد.

چیان چین در تاریخ پرشکوه طبقه ما جاودانه شد و خاطره این رهبر انقلابی همچون خط سرخی در مبارزات ما علیه بورژوازی و رویزیونیسم بجای باقی میماند. پرولتاریای بین المللی پیشتاز پرافتخار جامعه نوین کمونیستی را از دست داد، اما بقول مارکس: «قاتلان او را تاریخ از هم اکنون آنچنان به چارمخ کشیده است که تمام دعاهای کشیشان هم قادر به نجاتشان نمی باشد.»

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

۱۴ خرداد ۱۳۷۰